

کریمی در گفت‌وگو با ایلنا:

بایدن با توافق غیرشفاهی به خواسته خود رسید/ افراتیون همه طرف‌ها با هر تلاشی برای رسیدن به راه حل میانه مخالفند

تحلیل گر سیاست خارجی گفت: برای دولت بایدن هرگونه بازگشت به برجام در سیاست داخلی آمریکا و به خصوص در هنگام انتخابات امری سربسته و غیر قابل محاسبه است. بنابراین دولت بایدن به دنبال آن بود که از هرگونه تنش بیشتر در موضوعات مربوط به ایران جلوگیری کرده و خیال خود را آسوده کند که به نظر می‌رسد با یک نوع توافق شفاهی و غیررسمی به این خواسته دست پیدا کرده است.



ساسان کریمی تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با ایلنا، در پاسخ به این سوال که تا به حال سه طرح پیشنهادی عمان، ژاپن و سپتامبر روی میز مذاکره کنندگان درباره توافق با غرب مطرح است. این طرح‌ها چه موضوعاتی را مطرح می‌کند آیا مربوط به احیای برجام، لغو تحریم‌ها یا توافق جدید فارغ از برجام است، گفت: بله. ظاهراً تمام ابتکارها به منظور بازگشت همه طرف‌ها به اجرای تعهدات برجامی است. از نظر کنشگران مختلف در صحنه بین‌الملل هیچ راه حل واقعی برای رفع تنش در مساله هسته‌ای به جز برجام وجود ندارد. چرا که ه نمی‌خواهد داده‌های بیشتر و ستانده‌های کمتری از آن داشته باشد. اتفاقاً حالا که زمان گذشته است به نظر می‌رسد همگان و به خصوص منتقدان مختلف برجام به این نتیجه رسیده‌اند که این مساله را به راحتی نمی‌توان به شکل دیگر به «توافق» رساند.

وی افزود: اینکه غرب بخواهد با اقدام نظامی مانع برنامه هسته‌ای ایران شود امری علی حده است، اما توافق نیست. در طرف مقابل هم اینکه برای ایران هیچ اهمیتی نداشته باشد که تحت تحریم و انزوا قرار گیرد یا ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قرار بگیرد هم مبنای دیگری برای محاسبه است. اما اگر قرار باشد موضوع با توافق به نقطه‌ای برسد که هم کسی نگران برنامه هسته‌ای ایران نباشد، هم برنامه وجود واقعی داشته باشد که نیازهای ما را برطرف کند و هم تحریم‌های بین‌المللی، فصل هفتمی، یکجانبه و در نتیجه انزوا از بین برود، توافقی بهتر از برجام عملاً ممکن نبوده و نیست. بنابراین به محض آنکه قرار باشد کسی اقدامی برای «حل مساله از راه دیپلماسی» انجام دهد و به نتیجه برسد، به دشواری نوشتن یک توافق پی می‌برد. وگرنه نقد سلبی صرف از آسان‌ترین کارهاست.

کریمی در پاسخ به این سوال که ۱۸ اکتبر پایان موعد یکی از بندهای غروب است که موجب پایان تحریم تسلیحاتی و تحریم اشخاصی می‌شود اما با توجه به این که تروئیکای اروپایی اعلام کردند که باید این تحریم‌ها همچنان پابرجا بماند، ایران باید چه اقداماتی در جهت عملیاتی شدن این بند بردارد، گفت: از نظر حقوقی تا زمانی که مکانیسم حل و فصل اختلافات برجام (اسنپ بک) به کار نیفتاده و در شرایط کنونی توافق در حال اجراست، غروب‌های آن از نظر حقوقی انجام می‌شوند و این به غایت امر بعیدی بوده که طرف‌های غربی پذیرفته‌اند. اما آنچه اروپایی‌ها می‌گویند در واقع نقض برجام است که البته همیشه و از سمت همه طرف‌های توافق متصور است.

این تحلیل‌گر مسائل سیاست خارجی یادآور شد: برجام یک توافق بر مبنای اقدامات داوطلبانه برای همه طرف‌هاست و همه در حد اقدام به ماندن در برجام یا اجرای مفاد آن ملزم هستند. ضمن آنکه اساساً محیط بین‌المللی محیطی اقتدارگریز است به جز در موارد بسیار محدود (که اتفاقاً شامل قطعنامه‌های ذیل فصل هفتم است و موارد دیگری نظیر کشتار دست جمعی و غیره که ذیل اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد) دولت‌ها را نمی‌توان به امری مجبور کرد، مگر آنکه خود به سازوکار مورد استفاده تن دهند.

وی افزود: بنابراین غروب ۱۸ اکتبر سال جاری در شرایط کنونی انجام می‌شود و تحریم‌های تسلیحاتی مورد اشاره از نظر حقوقی برداشته می‌شوند. اما اینکه اروپا بخواهد با نقض برجام تحریم‌های تسلیحاتی خود را حفظ یا تجدید کند، امر دیگری است. در حال حاضر ما خودمان هم تعهدات برجامی (شامل سطح غنی‌سازی و نظارت‌های برجامی) را انجام نمی‌دهیم که البته اقدامات ما ذیل مواد ۲۶ و ۳۶ برجام هستند و نه نقض توافق. ولی در هر حال انجام تعهدات و عدم آن به طور کلی در محیط بین‌المللی تا حد بسیار زیادی بر مبنای اراده سیاسی دولت‌هاست و به سادگی نمی‌توان دولتی را به انجام کاری مجبور کرد. هم تا کنون اینطور بوده و هم از این به بعد اینطور است. بنابراین نمی‌توان در محیط بین‌المللی به دنبال تضمین حقوقی برای اجرای یک توافق گشت. چنین انتظاری تنها ناشی از خطای دید در محیط بین‌المللی و نشناختن آن است و این خطاهای ادراکی به شدت آسیب‌زا هستند. چه در تخریب یک توافق انجام شده مانند برجام و چه وقتی که از انجام یک توافق جلوگیری می‌کنند. تنها تضمین توافقات بین‌المللی، قدیمی شدن اجرای آنها، عادت کردن کشورها به اجرای آن و به خصوص انجام تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل است، به طوری که منافع متقابلاً درگیر هم شوند.

کریمی در پاسخ به این سوال که مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا در مقطع کنونی دارای چه شرایطی است، گفت: به نظر می‌رسد محاسبات دولت بایدن در این خصوص معکوس است. برای ایشان هرگونه بازگشت به برجام در سیاست داخلی آمریکا و به خصوص در هنگام انتخابات امری سربسته و غیرقابل محاسبه است. بنابراین دولت بایدن به دنبال آن بود که از هرگونه تنش بیشتر در موضوعات مربوط به ایران جلوگیری کرده و خیال خود را آسوده کند که به نظر می‌رسد با یک نوع توافق شفاهی و غیررسمی به این خواسته دست پیدا کرده است. بنابراین آنچه برای آمریکا مطلوب بود حاصل شده است. مساله غنی‌سازی و ابعاد دیگر هسته‌ای هم به نظر می‌رسد برای ایشان روشن شده و دیگر مانند گذشته خود را برای این موارد به دست و پا نمی‌اندازند و ایران را مشکوک به ساخت تسلیحات هسته‌ای م

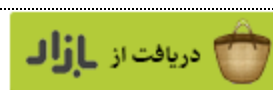
وی در پاسخ به این سوال که در همین حال شاهد هستیم که برخی رسانه‌های فارسی زبان در گزارش‌های متفاوتی به دنبال سنگ‌اندازی مقابل مذاکرات هستند. این طور به نظر می‌رسد که این بار جریانی به دنبال بازی امنیتی جدید علیه ایران آن هم با ادعای نفوذ در دستگاه سیاست خارجی آمریکا است. ارزیابی شما از تین کارشکنی‌ها چیست، گفت: واقعیت این است که دیپلماسی مسیر دوم یا track two یک چیز کاملاً شناخته شده در دیپلماسی است و اساساً بخش عمده کار اندیشکده‌ها در همه دنیا به خصوص در مواردی که دیپلماسی مستقیم واجد حساسیت‌ها و دشواری‌هایی بیشتری است همین است. در عین حال این هم یک واقعیت مدام بوده که در تمام مدت، افراطیون همه طرف‌ها که با هر تلاشی برای رسیدن به راه حل میانه مخالفند، تلاش می‌کنند این چانه‌زنی‌های غیررسمی را نوعی نفوذ و جاسوسی و غیره معرفی و از کلماتی مانند «افشا» و غیره استفاده کنند. هدفی که دنبال می‌کنند هم بلاموضوع کردن افراد و نهادهایی هستند که شکل گرفته و می‌توانند موثر واقع شوند. باید توجه کرد که این موارد همیشه با هماهنگی دولت‌ها انجام می‌شود و اساساً قرار است میان دولت‌ها گفت‌وگوی غیرمستقیم و محتوایی را برقرار کنند که انجام آن در سر میز مذاکره رسمی نوعاً غیرممکن است. بنابراین این اطلاعات برای دولت‌ها به هیچ عنوان امر تازه‌ای نیست. اما در عین حال چنین فشارهایی موجب محافظه کاری آنها در موارد آینده خواهد شد که این نوع کنشگران و رسانه‌ها که مشخصاً خود دستگاه تبلیغاتی دولت‌ها و رژیم‌های معینی هم هستند و منابع بی‌انتهای خود را از ایشان دریافت می‌کنند همین قصد را هم دارند.

کریمی گفت: برای یک دیپلمات و یک دستگاه دیپلماسی مهم این است که بتواند به بهترین نقطه ممکن (نه محال) در موضوع مورد گفت‌وگو دست پیدا کند. هیچ اهمیتی ندارد که از کدام مسیر این امر ممکن است. گاهی نیاز است از طرق رسمی یا غیررسمی، آشکار یا پنهان این امور انجام شوند و این ابدأ عجیب نیست. اتفاقاً اینکه کسانی مرتباً بخواهند امور را جنجالی کرده و برای خود وجاهت معرفی کردن امر اخلاقی و غیراخلاقی هم قائلند، تعجب برانگیز است. به هر کیفیتی اگر چنین ماجرای وجود داشته است، باید از به وجودآوردن‌گان آن به خاطر به روز بودنشان در کنشگری همه جانبه دیپلماتیک تشکر کرد.

وی تصریح کرد: این امور را من در تکمیل ماجرای می‌بینم که تلاش کرد خط رابرت مالی را زیر ضرب ببرد و از هرگونه احتمال حل واقعی مساله در سطح رسمی و علنی جلوگیری کند. این خط به دنبال روی کار آمدن افراطیون در ایالات متحده و احیای فشار حداکثری بر ایران است که بیشترین سود کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای ایشان در پی داشته باشد.

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1403269>

لینک کوتاه



نرم افزار موبایل ایلنا 